

مقاله پژوهشی

گونه‌شناسی ابنیه اقامتی راهی عصر صفوی بر پایه گزارش‌های جهانگردان غیرایرانی

نیما دیماری^۱، آیدا ملکی^{۲*}، فرهاد آخوندی^۳، احد نژاد ابراهیمی^۴

۱. گروه معماری، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران

۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

چکیده

دوران صفوی را عصر طلایی کاروانسراسازی خوانده‌اند و شاه‌عباس را پدر کاروانسراسازی ایران. در این دوره به دلیل رونق تجارت و گسترش روابط میان ایران و اروپا، ساخت راه و ابنیه اقامتی راهی رونق بسیار یافت. جهانگردان بسیاری از این امکان ارتباطی بهره گرفتند و راه‌های ایران را زیر پا گذاشتند و اقامتگاه‌هایشان را با جزئیات قابل توجهی وصف و گونه‌های کمتر شناخته شده‌ای از ابنیه اقامتی راهی را معرفی کرده‌اند. با این وجود پژوهشی مستقل و برخاسته از گزارش‌های جهانگردان درباره ابنیه اقامتی راهی ایران در دست نیست. هدف اصلی این پژوهش شناخت و معرفی انواع ابنیه اقامتی راهی دوران صفوی از نگاه سفرنامه نویسان غیرایرانی است. برای دستیابی به این هدف، این پژوهش بنیادی و کیفی، با بهره‌گیری از «روش ترکیبی» به جمع‌آوری داده‌های برآمده از مطالعه اسنادی ۲۰ عنوان سفرنامه به جامانده از دوران صفویان پرداخته و حاصل تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از رویکرد تحلیلی-تطبیقی به نتایج پایانی منتهی شده است. ابنیه اقامتی راهی که سفرنامه نویسان از آن سخن گفته و به شرح جزئیات آن پرداخته‌اند، شامل سابات و لنگر، رباط، خان و خانقاه، کاربات و کاروانسرا، خانه‌های شاهی، مهمان‌خانه و کاروانسراهای شهری، پل‌ها و قهوه‌خانه‌ها، اقامتگاه‌های شاهی و دسکره‌ها، روستاهای اقامتی و خانه‌های شخصی، اماکن مذهبی، خیمه‌ها و ساختمان‌های سیار، واحه‌ها، درختان و ایستگاه‌های موقت بوده‌اند.

واژگان کلیدی: ابنیه راهی، کاروانسرا، ابنیه اقامتی، معماری صفوی، سفرنامه.

مقدمه

آنها را حفظ کنند (معطوفی، ۱۳۸۲، ۶۹۳). همچنین به تمام ساکنان در طول مسیرهای تجاری، دستورات اکید برای پذیرایی و تأمین نیازهای مسافران داده شده بود. «امروز نقاط ایران، همه جا آباد... و برای مسافرت مطمئن است و... اگر از فردی چیزی روده شود... حاکم باید عین مال یا قیمت آن را تأدیه کند» (Della Valle, 1987/ 1991, 23). در ذکر کیفیت سفر در دوران صفوی همین بس که در بسیاری از مناطق کم برخوردار، کاروانسرا بهترین ساختمان محسوب می‌شده است. «در نطنز قلعه نیست... وضع بازار بد است ولی کاروانسرای سنگی آن نوساز است» (Kotov, 1996, 62).

با وجود چنین ساختار منسجم و شهره بودن ایران در زمینه راه و سفر، شناخت ما از ابنیه بین‌راهی به گونه‌های محدودی خلاصه می‌شود؛ این در حالی است که در گزارش‌های جهانگردان غیرایرانی به موارد بسیار متنوعی از ساختمان‌های پیش‌بینی شده برای اسکان مسافران و به‌ویژه نمایندگان کشورها و تجار بلندمرتبه اشاره شده است که می‌تواند دامنه شناخت ما از ابنیه بین‌راهی را

بسیاری ایران را خاستگاه کاروانسرا و هخامنشیان را مبتکر آن دانسته (Ghirshman, 1974/1990, 206) و ساخت کاروانسراها را یکی از «پیروزی»های معماری ایران قلمداد کرده (Pope, 1976/ 1987, 238) و حتی «کاخ‌هایی در بیابان» می‌خوانند (Hillenbrand, 1994/ 1998, 406). تاورنیه هنگام عبور از جاده کرمان به یزد می‌نویسد: «اغلب این راه، شن و ماسه خسته‌کننده و ملال‌انگیز است. چیزی که در این راه خشک و بی‌آب و علف، مایه تسلی خاطر مسافر است، فقط این است که هر شب برای منزل کردن به یک کاروانسرا و آب‌انبار می‌رسد» (Tavernier, 1957, 115). وضعیت راه‌های ایران در دوره صفوی به اوج کیفیت رسیده و علاوه بر ساخت ابنیه اقامتی، سفر در امنیت کامل انجام می‌شد. همین امر ایران را به یکی از بهترین مقاصد سفر و تجارت در جهان تبدیل کرده بود. راهدارها وظیفه داشتند، در ازای دریافت مالیات، امنیت اشخاص و لوازم و اثاث

هستند، پرداخته‌اند. در زمینه گونه‌شناسی معماری، معماریان و دهقانی تفتی (Memarian & Dehghani Tafti, 2018) در مقاله «در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه گونه تالاردار شهر تفت)» درصد بازتعریف مفهوم «گونه» و «گونه‌شناسی» در معماری ایرانی برپایه رویکردی بومی و معناگرا برآمده‌اند و با نقد برداشت‌های شکلی از گونه‌شناسی، گونه در معماری ایران را علاوه بر فرم و عملکرد، از لایه‌های فرهنگی، اقلیمی و زیباشناختی نیز متأثر می‌دانند. در پژوهش دیگری معماریان و طبرسا (۱۳۹۲). به «گونه و گونه‌شناسی معماری» پرداخته و به بررسی ریشه‌ها، معانی و کارکردهای مفهوم «گونه» در نظریه و عمل معماری از دوران کلاسیک تا معاصر، پرداخته‌اند. «درباره گونه‌شناسی معماری» از جیولو کارلو آرگان (Argan, 1963) متنی بنیادین در نظریه معماری است که گونه را نه صرفاً یک الگوی تکرارشونده یا شکل ثابت، بلکه ساختاری ذهنی و فرهنگی می‌داند که از تجربه جمعی و سنت‌های تاریخی معماری سرچشمه می‌گیرد. نمونه دیگر «دسته‌بندی، گونه‌شناسی، طبقه‌بندی؛ کیفیت و کمیت» از آلبرتو مارادی (۱۹۹۰) است که نشان می‌دهد طبقه‌بندی معمولاً برپایه ویژگی‌های تجربی و قابل مشاهده است، در حالی که گونه‌شناسی بر ساختن مدل‌های نظری و ایده‌آل از واقعیت تکیه دارد. مقاله «درباره گونه‌شناسی» نوشته رافائل مونه‌ئو (۱۹۷۸) به بررسی مفهوم «گونه» و نقش آن در فهم و طراحی معماری می‌پردازد. مونه‌ئو تیپ را نه صرفاً یک الگوی تکرارشونده، بلکه مفهومی نظری که پیوند میان تاریخ، عملکرد و معنا را برقرار می‌کند، معرفی کرده است.

روش پژوهش

این پژوهش تاریخی از نوع بنیادی بوده و با راهبردی «کیفی» به بررسی شاخصه‌های شکلی و محتوایی لازم برای گونه‌شناسی ابنیه اقامتی راهی می‌پردازد. این تحقیق با توجه به کیفی و داده بنیاد بودن، درصد رد یا اثبات فرضیه‌ای نبوده و به دنبال به‌دست آوردن پاسخ به سؤالات تحقیق در فرایند پژوهش است و برای دستیابی به هدف، با روش توصیفی-تحلیلی، داده‌های اسنادی را بررسی شد.

در فرایند تحقیق، ابتدا فهرست سفرنامه‌های صفوی ترجمه شده به فارسی، از کتاب «فهرست موضوعی سفرنامه‌های مربوط به ایران» از همایون رفعتی (۱۳۶۸)، استخراج شده و از این میان ۱۲ عنوان که حاوی اطلاعات مرتبط با پژوهش بودند، به‌صورت هدفمند انتخاب و در جدول ۱ با علامت ستاره مشخص شده‌اند. شیوه استخراج داده‌ها ترکیبی از تحلیل محتوا و کدگذاری بوده و در گام اول در مرحله امکان‌سنجی انجام پژوهش، از تحلیل محتوا استفاده شده است؛ اما به دلیل آنکه برخی از گونه‌های ابنیه

افزایش دهد. باین وجود اغلب پژوهش‌ها بر روی انواع شناخته شده‌تری از ابنیه بین راهی مانند کاروانسراها متمرکز بوده و گونه‌هایی مانند قهوه‌خانه‌ها، روستاهای اقامتی، پل‌ها و باغ‌های شاهی بی آنکه مورد مطالعه قرار گرفته یا مدارک و اطلاعاتی از آنها برجای مانده باشد، اکثراً از بین رفته‌اند. به همین دلیل هم تحقیقات موجود درباره ابنیه اقامتی، همه نمونه‌ها را در بر نمی‌گیرند و این پژوهش با هدف مستندسازی و تهیه فهرستی جامع از انواع گونه‌های ابنیه اقامتی و معرفی ویژگی‌های معماری و شاخصه‌های شکلی و محتوایی آنها، با بهره‌گیری از داده‌های برآمده از سفرنامه‌های عصر صفوی، درصد پر کردن این خلأ تحقیقاتی و پاسخ به این سؤالات برآمده است که ابنیه اقامتی دوران صفوی به چند گونه قابل تقسیم است و ویژگی‌های هر گونه چیست؟

پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش را می‌توان میان دو دسته از مطالعات جستجو کرد: گونه‌شناسی و ابنیه راهی.

درباره ابنیه راهی پژوهش‌های مختلفی انجام و برخی از آنها به مراجع مهمی در این زمینه تبدیل شده است. کسی که بیشترین تلاش را برای ثبت و شناساندن کاروانسراهای ایران، در دورانی که راه‌های مناسب و تجهیزات مدرن برای اکتشاف در دل کوه‌ها و بیابان‌های ایران بزرگ وجود نداشته، «ماکسیم سیرو» است که با سفر به اقصی نقاط ایران به برداشت نقشه‌ها و ثبت تاریخچه این بناها پرداخته و در کتاب «کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان‌راه‌ها» (۱۳۴۹) انواع ابنیه راهی و به‌ویژه کاروانسراها را شرح داده است. «راه و رباط» از محمدکریم پیرنیا و کرامت الله افسر (۱۳۵۰) کتاب مرجع دیگری است که به معرفی و گونه‌شناسی راه‌ها و ابنیه بین‌راهی ایران در طول تاریخ پرداخته است. بسیاری از متخصصان معماری ایران نیز فصل‌هایی از کتب خود را به این مورد اختصاص داده‌اند که از آن جمله می‌توان به «معماری ایرانی» از غلامحسین معماریان (۱۳۹۰)، «معماری اسلامی» (۱۳۷۷) از هیلن براند و «معماری ایران دوره اسلامی» از کیانی اشاره کرد. از میان انبوه مطالعاتی که از زوایای مختلف و به‌طور جزئی‌تر به موضوع پرداخته‌اند نیز به اختصار می‌توان به «کاروانسراهای ایران زمین، دوره صفویان» از شانواز و خاقانی (۱۳۹۴) اشاره کرد که کاروانسراها را از جنبه‌های گوناگون تاریخی و گونه‌شناسی کالبدی بررسی و هدف از ساخت آنها را اهداف تجاری، مقاصد نظامی، سیاسی، دینی و اجتماعی دانسته‌اند. امیرحاجلو و همکاران (۱۳۹۱) در «تاملی در علل توسعه و تخریب اقامتگاه‌های شاهی میان‌راهی دوران صفوی با نگاهی بر دولت آباد، علی آباد ریگ و دمبی در شمال اصفهان» به معرفی سه نمونه از ابنیه اقامتی شاهی که گونه‌ای کمتر شناخته شده

دسته‌بندی نمی‌گنجیدند، در گروه «سایر ابنیه» قرار گرفتند. در نهایت هر یک از گونه‌ها در ابتدا به‌طور خلاصه بر پایه کتب مرجع تعریف، سپس با نقل قول‌های جهانگردان، وجوه اصلی و معیارهای کمترشناخته شده آنها معرفی شده است. انجام پژوهش به تعریف دقیق و البته منحصربه‌فردی برای گونه‌شناسی نیاز دارد که با معیارهای نظریات محوری گونه‌شناسی معماری (تصویر ۱) توجیه نمی‌شود. به دلیل این عدم جامعیت و قابل تفسیر نبودن همه شاخص‌ها، در این پژوهش از گونه‌شناسی چندوجهی و ترکیبی از شاخصه‌ها استفاده شده است (تصویر ۲).

اقامتی، خارج از مطالعات شناخته شده، قرار گرفته و دسترسی به آنها از طریق تحلیل محتوا ممکن نیست، برای از قلم نیافتادن این نمونه‌ها، تمام سفرنامه‌ها مطالعه و اطلاعات مستخرج از آنها در دو مرحله کدگذاری شدند. در مرحله کدگذاری باز^۱ تمامی گزارش‌های مربوط به ابنیه اقامتی راهی از سفرنامه‌ها استخراج و پس از آن در مرحله کدگذاری محوری^۲، اطلاعات در ۱۰ گروه اصلی دسته‌بندی شده‌اند. پس از مطالعه و کدگذاری تمام سفرنامه‌ها و حاصل شدن اشباع نظری، با روش تحلیلی-مقایسه‌ای، معیارهای لازم برای گونه‌شناسی، براساس میزان فراوانی شاخصه‌های هریک تهیه شده و مواردی که در هیچ

جدول ۱. فهرست و مشخصات سفرنامه‌های صفوی ترجمه شده به فارسی به ترتیب تاریخ ورود نگارنده به ایران. مأخذ: نگارندگان.

نویسنده	ملیت	سال‌های حضور در ایران	زمان حضور در ایران	اهداف سفر
جووانی ماریا آنجوللو	جمهوری ونیز	۱۴۹۹-۱۵۱۵ م.	اوزون حسن شاه‌اسماعیل	سیاسی
وینچنتو دالساندری	جمهوری ونیز	۱۵۳۰ م.	شاهطهماسب	سیاسی
*رابرت شرلی	انگلیس	۱۵۹۸ تا ۱۶۰۹ م. ۱۶۱۳ تا ۱۶۱۵ م. ۱۶۲۷ تا ۱۶۲۸ م.	شاهعباس	سیاسی
*دن گارسیا د سیلوا فیگوئرا	اسپانیا	۱۶۱۷ م.	شاهعباس	سیاسی
*پیترو دلاواله	ایتالیا	۱۶۱۷ تا ۱۶۲۲ م.	شاهعباس	سیاحت
*فدت آفاناس یویچ کاتف	روسیه	۱۶۲۳ م.	شاهعباس	سیاسی-تجاری
*رابرت استودارت	انگلستان	۱۶۲۶ م.	شاهعباس	سیاسی
*توماس هربرت	انگلستان	۱۶۲۸ تا ۱۶۳۲ م.	شاهعباس	سیاسی
ایان اسمیت	هلند	۱۶۲۸ تا ۱۶۳۰ م.	شاهعباس	سیاسی
*ژان باتیست تاورنیه	فرانسه	۱۶۳۲ م تا ۱۶۶۸ م.	شاهصفی شاهعباس دوم شاهسلیمان	سیاحت-تجارت
*آدام اولتاریوس	هلند	۱۶۳۶ تا ۱۶۳۸ م.	شاهصفی	سیاسی
*ژان شاردن	فرانسه	۱۶۶۵-۱۶۷۰ م. ۱۶۷۳-۱۶۷۷ م. ۱۶۸۱ م.	شاهعباس دوم شاهسلیمان	تجاری
*انگلیرت کمپفر	آلمان (سوئد)	۱۶۸۳ تا ۱۶۸۶ م.	شاهسلیمان	سیاسی
*نیکولاس سانسون	فرانسه	۱۶۸۳ تا ۱۶۸۶ م.	شاهسلیمان	سیاسی
*جووانی فرانچسکو جملی کاری	ایتالیا	۱۶۹۴ م.	شاهسلیمان	سیاحت
گرگوریوپریرا فیدالگو	پرتغال	۱۶۹۶ تا ۱۶۹۷ م.	سلطان حسین	سیاسی
تادیوزبودا کروسینسکی	لهستان	۱۷۰۷ تا ۱۷۲۵ م.	سلطان حسین	مذهبی
پطرس دی سرکیس گیلانتز	ارمنستان	۱۷۲۲ تا ۱۷۲۳ م.	سلطان حسین	مذهبی-جاسوسی
ژان اوتر	فرانسه	۱۷۳۴-۱۷۴۳ م.	شاهعباس سوم شاهسلیمان دوم	سیاسی

معیارهای گونه شناسی آثار

کارکردی (Broadbent,1973)
فضایی (Rossi,1982)
ساختاری (Frampton,1995)
تاریخی / فرهنگی (Argan,1963)
اقلیمی (Olgay,1963)
اجتماعی (Lefebvre,1991)
زیبایی‌شناسی (Gombrich,1950)

تصویر ۱. معیارهای گونه‌شناسی آثار معماری. مأخذ نگارندگان.

معیارهای گونه شناسی ابنیه راهی

کارکرد اصلی (Broadbent,1973)
مکان‌یابی (Kostof,1992)
سازمان فضایی (Hillier & Hanson,1984)
فناوری ساخت (Frampton,1995)
مالکیت (Matthee,2012)
سطح خدمات (Floor,2006)
دوام (Rizvi,2011)
مقیاس (Grabar,1980)
تزیینات (Necipoglu,1995)
انعطاف‌پذیری (Habracken,1998)
سازگاری با اقلیم (Olgay,1963)
امنیت (Horden & Purcell,2000)

تصویر ۲. معیارهای گونه‌شناسی ابنیه راهی. مأخذ نگارندگان.

مبانی نظری

برای ساخت بنیان‌های پژوهش، شناخت دو مورد ضروری به نظر می‌رسد. دوران صفوی و شرایط خاصی که منجر به اهمیت یافتن ابنیه اقامتی راهی شد و تعریف گونه‌شناسی به‌طور عام و تعیین معیارهای گونه‌شناسی خاص این پژوهش.

• صفویان

صفویان (۱۵۰۱-۱۷۲۲م) در یکی از حساس‌ترین نقاط تاریخ ظهور کردند، زمانی که غرب وارد رنسانس شده بود و با کمک علم و ابزارهایی مانند سلاح‌های آتشین، تجهیزات ناوبری و کشتی‌های اقیانوس‌پیما، به عصر اکتشافات گام می‌نهاد. این تحولات منجر به ورود گروه‌های مختلفی از جهانگردان، از هیئت‌های سیاسی تا ماجراجویان و تجار اروپائی و ثبت سفرنامه‌ها شد (دانش پژوه، ۱۳۸۵، ۱۴-۱۱). در همین

ایام صفویان با ایجاد ساختار حکومتی متمرکز و سیاست‌های تجاری و مالی جدید، اقتدار و امنیت را به کشور بازگردانده و به شکوفایی اقتصادی دست یافتند. اقتصاد صفوی بر چهار پایه مالیات، کشاورزی، صنایع دستی و از همه مهم‌تر، تجارت بنیاد شده بود (Floor, 2000). موقعیت جغرافیایی ایران در مسیر جاده ابریشم و میان دو امپراتوری بزرگ عثمانی و گورکانی، آن را به مرکز ارتباطی شرق و غرب و تجارت کالا میان آسیا و اروپا تبدیل کرده بود (Matthee, 1999). صفویان با درک نقش حیاتی تجارت در این ایام، مجموعه‌ای از امکانات، زیرساخت‌ها و سیاست‌های حمایتی را برای رونق بازرگانی فراهم کردند. مهم‌ترین اقدامات، ایجاد امنیت در مسیرهای بازرگانی، ارائه خدمات به مسافران در طول مسیر و تدوین نظام گمرکی بود (Herzig, 1991). که سبب شد بسیاری از جهانگردان ایران و راه‌هایش را در جهان، بهترین بخوانند (Della Valle, 1987/ 1991, Sanson, 17th/ 1967).

(Tavernier, 1957). «به-محض رسیدن به ایران، هر کس متوجه برتری شایانی که این سرزمین... به ترک‌ها [عثمانیان] دارد، می‌شود و من به جرئت می‌توانم بگویم این خطه به هیچ‌وجه کمتر از سرزمین‌های مسیحی نیست... دیگر به چادرها احتیاج نبود؛ زیرا در تمام طول راه کاروان‌سراهای بزرگ و مناسبی که از طرف پادشاهان یا شخصیت‌های دیگر ساخته شده و در اختیار مردم قرار گرفته وجود داشت که برای بیتوته در آن وجهی پرداخت نمی‌شد» (Della Valle, 1987/ 1991, 17). دقت و جدیتی که برای بهبود راه‌ها انجام می‌شد، چنان بود که جهانگردان را به تحسین و تمجید می‌داشت: «کاروان‌سرای سیاه‌کوه فاقد آب شیرین است و بدین-جهت شاه دستور داده کاروان‌سرای دیگری در این حوالی، نزدیک یک مخزن آب شیرین بسازند و معمار کاروان‌سرای سیاه‌کوه را به مناسبت بی‌توجهی او در مورد آب به سختی مجازات کرده است... این مطالب را نوشتم تا توجه داشته باشید شاه‌عباس چقدر خرج می‌کند و زحمت می‌کشد تا کشورش زیباتر و آبادتر و برای حمل‌ونقل و تجارت مستعدتر شود» (ibid., 125).

از آن‌جا که شاه‌عباس سازنده یا مرمت‌کننده بسیاری از کاروانسراهاست، او را «پدر» کاروانسراسازی خوانده (Siroux, 1971/ 1978, 191) و بسیاری از کاروانسراهای ساخته شده در دوران صفوی را «شاه‌عباسی» نامیده‌اند (Blair & Bloom, 2006). «بعضی تعداد کاروانسراهای شاه عباسی را تا ۳۰۰۰۰ بالا می‌برند که اغراق آمیز به نظر می‌رسد. ولی بنابر آنچه که من شخصاً استنباط کردم، رقم ۳۹۹۹ نیز بسیار پایین‌تر از تعداد کاروانسراهای موجود در ایران است» (Siroux, 1949/ 1949, 27). به همین دلیل است که کلایس، عصر صفوی را «دوران طلایی کاروانسراسازی» می‌داند (Kleiss, 1995, 2). این ابنیه اقامتی برای حمایت از مسافران، به‌صورت زنجیره‌ای ساخته شده و فاصله کاروانسراها در جاده‌های اصلی، اغلب از شش فرسنگ^۴ بیشتر نبوده است (Pope, 1939, 238).

• گونه‌شناسی

گونه، طبقه یا گروهی از اشیا است که دارای ویژگی‌های مشترکی هستند

در یک روز می‌توانستند ببینند، «مرحله» می‌گفتند. اگر میان دو شهر، جایی برای اقامت پیدا می‌شده، آن را «مرحله سبک» می‌خواندند. در مرحله سبک، فاصله بین منزلگاه‌ها را لنگر می‌نامیدند. اگر در میان راه، آبادی کمتر بوده و لنگرها کمتر می‌شده و فاصله میان دو لنگر هم بیشتر، «مرحله سنگین» می‌شده است. سابات‌ها را در مرحله سنگین می‌ساختند و لنگرها را در مرحله سبک (پیرنیا، ۱۳۸۹).

دهخدا «سابات» را پوشش رهگذر، بالایی که زیر آن راه بوده و سقف میان دو دیوار که زیر آن راه باشد، تعریف می‌کند (دهخدا، ۱۳۵۹، ۱۳۳۲) که از «سا» به معنای آسایش و «بات» به معنای ساختمان و بنا تشکیل شده است (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰، ۱۲۴). این راه سرپوشیده، فضایی برای استراحت موقت کاروانیان فراهم کرده و با اختلاف دمای ایجاد شده میان سایه و آفتاب، وزش نسیم را به وجود می‌آورد و در ترکیب با آب انبار، خستگی و عطش مسافران را فرو می‌نشاند. سابات مانند راسته بازاری، فاقد در، بوده و به طول ۲۰ تا ۳۰ متر ساخته می‌شده است. در زیر آن چند تاق نما به شکل تخت‌گاه، یک آب‌انبار در دهانه میانی و در موارد معدودی یک یا دو اتاق کوچک وجود داشته است (همان، ۱۲۲).

• رباط، خان و خانقاه

رباط با «ربط» به معنی بستن و پیوند دادن، هم ریشه است و به مفهوم بستن حیوان و مکانی برای نگهداری و محافظت به کار گرفته شده است. امروز رباط در زبان فارسی و عربی به معنی پاسگاه مرزی، کاروانسرا، خانقاه، نوانخانه، غریبخانه، مهمانسرا، قلعه، معبد و دارالعلم به کار می‌رود (پازوکی، ۱۳۷۶، ۲۷۷). به لحاظ تاریخی، رباط‌ها ابتدا پادگان‌های نظامی و محل نگهداری اسب و آذوقه مجاهدان صدر اسلام بوده و در مرزهای سرزمین‌های مغلوب ساخته می‌شده است (شانواز و خاقانی، ۱۳۹۴، ۱۹). این گونه در آغاز، استحکامات ساده‌ای برای اقامت، انبار تدارکات و مهمات، با نقشه‌ای مستطیلی و برج‌هایی برای دیدبانی بوده است (لباف خانیکی، ۱۳۷۹، ۹۱). با برقراری نظم در سرزمین‌های مفتوحه و با گذشت زمان، رباط به «خانه صوفیان» و ساختمانی گفته می‌شد که اهل تصوف در آن زندگی می‌کردند و با خانقاه مترادف شد (شانواز و خاقانی، ۱۳۹۴، ۱۹)؛ از این رو رباط با کاروانسرا مفهوم واحدی گرفته و به جایی برای استراحت و اقامت زائرین و مسافران تبدیل گشت (هادی‌زاده کاخکی، ۱۳۹۳، ۶۰) و در عمل کاروانسرای است که بیشتر برای نگهداری اسب و چهارپایان استفاده می‌شده و دارای اتاق‌های متعددی گرداگرد حیاط با حوض و آب انبار بوده است (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰، ۱۲۲). دلاواله رباط‌ها را «بناهایی ساده‌تر از کاروانسراها»؛ اما دارای نقشی مهم در مسیرهای فرعی معرفی می‌کند که گاه تنها شامل «چند اتاق و فضایی برای شترها» بودند و در مواردی حتی نگهبانی دائم هم نداشتن و شب‌ها مسافران خودشان درها را می‌بستند (Della Valle, 1987/ 1991). شاردن هم از «سادگی» رباط‌ها صحبت کرده و آنها را «پاکیزه و دارای نظم» خاصی می‌داند که معمولاً توسط مردم محلی یا وقف‌نامه‌ها اداره می‌شدند و در فاصله «نیم‌روزی» از کاروانسراهای بزرگ‌تر ساخته شده

که آنها را متمایز می‌کند. این دسته‌بندی به دنبال قراردادن مجموعه‌ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر برای شناخت بهتر است (Mashhadi & Aminpour, 2017). گونه‌شناسی ترجمه واژه «تایپولوژی»^۵، از ریشه «تایپ»^۶ است که برگرفته از ریشه «توپوس»^۷ و «تپوس»^۸ در زبان لاتین بوده که معادل واژه‌های مدل^۹، نمونه^{۱۰}، فرم^{۱۱}، دسته^{۱۲}، نماد^{۱۳} و ویژگی^{۱۴} است؛ از این رو در پارسی گونه یا تیپ را می‌توان گروهی خاص با ویژگی یا علامت مشخص تعریف کرد؛ با این وجود نتایج تحقیقات معاصر در گفتمان گونه‌شناسی، تضادهای فراوانی در تعریف ماهیت و مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری، به‌عنوان یک تصویر ساده و کلی که گروهی از ساختمان‌ها را نمایندگی می‌کند، نشان می‌دهد. در این تعاریف برخی جنبه‌های شکلی و برخی دیگر ابعاد معنایی و شهودی گونه را مد نظر داشته‌اند (Memarian & Dehghani Tafti, 2018). لذا به این دلیل که معماری پدیده‌ای چندوجهی است، هیچ‌کدام از این دسته‌بندی‌ها (تصویر ۱) از جامعیت برخوردار نبوده و بهتر است هر کدام از محققان براساس نوع تحقیقاتشان، معیارهای خاص خود را برای گونه‌شناسی تعریف کرده یا برگزینند (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲).

روش‌های گونه‌شناسی «عمومی» که برای معماری تعریف شده‌اند، تنها می‌توانند معیاری کلی برای شناخت ایجاد کنند و به‌عنوان دستورالعملی مناسب برای همه پژوهش‌ها کارآمد نیستند و از تفسیر پدیده‌های چندوجهی و محصول ترکیب عوامل مختلف که قابل تفسیر با معیاری مجرد نیستند، عاجزند (Mashhadi & Aminpour, 2017).

از زاویه دید کلان، گونه‌ها را می‌توان به «ژنوتایپ»^{۱۵} و «فنوتایپ»^{۱۶} تقسیم کرد که ریشه در زیست‌شناسی داشته و اولی به الگوی زیستی پنهان مانند ژن‌ها اشاره دارد و در واقع مجموعه اطلاعاتی است که در درون یک نوع یا گونه زیستی دیده می‌شود که در معماری به اطلاعات درونی فضا اشاره دارد و دومی به ظاهر یا جسم موجود که در معماری به مثابه کالبد بنا تفسیر می‌شود (Addy, 1933). بنابراین انواع جنوتایپ‌های ابنیه ایرانی، از خانه تا مسجد و ابنیه اقامتی دارای فنوتیپ‌های مختص به خود هستند. ساختمان‌های اقامتی هم فنوتیپ‌هایی مانند کاروانسرا، رباط، سابات و مانند آن هستند که توسط محققان مختلف، با معیارهای متفاوتی گونه‌شناسی شده‌اند (تصویر ۲).

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نه دسته اصلی و یک گروه فرعی از ابنیه اقامتی راهی را آشکار می‌کند که در این بخش به‌صورت ترکیبی از منابع مرجع پیشینه پژوهش با گزارش‌های جهانگردان معرفی شده‌اند.

• سابات و لنگر

«در مشرق زمین رسم است، منازل را باید یک نفس، خواه با کاروان، خواه با زبده سوار یا تنها پیمود... یک روز شش ساعت باید راه رفت، یک روز ۱۰ ساعت و یک روز ۱۲ ساعت و جهت این اختلاف، یافت نشدن آب است» (Tavernier, 1957, 125). به این مسافتی که مسافران

بودند (Chardin, 1957/ 1643).

رباط در معنای خانقاه، در بیرون شهر و نقاط دنج و خوش آب و هوا قرار می‌گرفته است (پیرنیا، ۱۳۹۲) و مأمّن فقرا و در راه ماندگان بوده و کسانی را که سرپناهی نداشتند، به‌طور موقت اسکان می‌داده است (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰، ۱۲۹). «در ایران دو نوع خانقاه وجود دارد یکی شخصی که برخی افراد وارسته و دل از دنیا بریده، برای گوشه‌نشینی خویش می‌سازند و دیگری خانقاه‌های عمومی که بعضی بانیان خیر برای استفاده عموم عزلت‌گزینان، [برای سفر به مشهد] بنا می‌کنند» (Chardin, 1957/ 1643, 1578). شاردن اندام‌های خانقاه را چنین شرح می‌دهد: «خانقاه [پیر مُعزّ] بسیار بزرگ [است]... که یک آب انبار، یک چاله حوض و یک باغ از ضمائم آن است... و بیرون از حومه در حساب می‌آیند» (ibid., 1563). او دربارهٔ خانقاه‌های کاشان و قم می‌گوید که خانقاه‌ها در ایران همانند «مهمانخانه‌های رایگان» هستند که نه‌تنها برای درویشان، بلکه برای «مسافران فقیر» نیز پناهگاه‌اند (ibid.). دلاواله هم از خانقاهی نزدیک نقش جهان یاد می‌کند که در آن «صوفیان و رهگذران»، «در کنار هم» غذا می‌خوردند و می‌خوابیدند و صوفیان را «مردمانی پذیرای هر غریبه‌ای» می‌خواند (Della Valle, 1987/ 1991).

کلمه خانقاه خود مُرکّب از دو کلمه «خان» و «گاه» است که خان در عربی به کاروانسرا اطلاق می‌شود. «در این مملکت [ایران] چون سکنه کم است، فاصله به فاصله بعضی، کاروانسراهای بزرگ ساخته‌اند که آنها را خان می‌نامند و تجار و مسافرین در آنجا منزل می‌کنند و هم برای مسافر و هم برای مال‌های او مأکول و علیق به هم می‌رسد» (Sherley, 1601/ 1951, 79-78).

• کاربات و کاروانسرا

در گذشته مسافران به دلایل مالی، امنیتی و حمایتی ترجیح می‌دادند، دسته جمعی سفر کنند و کاروان بدین شکل پدید آمد (مشبکی اصفهانی، ۱۳۹۷، ۱۴). کاروانسراخانه کاروانیان است؛ چراکه واژه معادل «خانه»، «سرا» است (Hillenbrand, 1994/ 1998, 333). کاروانسرا با اندک تفاوت‌هایی به طیف وسیعی از ساختمان‌ها مانند کربات، کاربات یا کارباط (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰، ۱۲۳)، رباط، خان، فندق، تیم و تیمچه گفته می‌شود (هادی‌زاده کاخکی، ۱۳۸۹، ۶۰).

کاروانسراها برخلاف دیگر گونه‌های ابنیه ایرانی، تغییرات کمی به خود دیده و از الگوهای نسبتاً ثابتی پیروی کرده‌اند. «کاروانسراهای محکم و زیبا و شبیه به هم در سرتاسر راه‌های ایران بنا شده... و از حیث زیبایی، تناسب و استحکام با بهترین ابنیه اروپایی برابری می‌کنند» (Gemelli Careri, 2011/ 1969, 44). کاروانسراها «به سبک صومعه‌های ما ساخته شده‌اند؛ یعنی در وسط آن، حیاطی است که دورتادورش را اتاق‌های متعددی فراگرفته» است (Della Valle, 1987/ 1991, 108). «بنای آنها مربع است و... معمولاً یک طبقه هستند. بنای دوطبقه خیلی به‌ندرت دیده می‌شود» (Tavernier, 1957, 122). «بعد از در ورودی، حیاط بزرگی دیده

می‌شد که برای اقامت تعداد زیادی مسافر با شتران و بارو بنه آنان کافی بود. در وسط این حیاط، صفا مربع شکل بزرگی وجود داشت با مساحتی برابر بیست پای مربع و ارتفاع دو پا^{۲۰} از سطح زمین که چند نفر به راحتی می‌توانستند روی آن منزل کنند. اطراف صفا، آخور اسب‌ها و قاطرهای مسافران بود» (Silva Figueroa, 1931, 118). «یک ضلع حیاط [مدخل آن است و در سه ضلع دیگر، در وسط، یک تالار با یک طاق بزرگی ساخته شده که مخصوص است برای منزل محترمین که شاید آنجا منزل کنند. در دو سوی تالارهای وسط، اتاق‌ها و حجرات کوچکی است که هر کس یکی از آنها را اختیار می‌کند. این حجرات در طول اضلاع، دو سه پا از زمین حیاط مرتفع‌تر و در یک خط بنا شده‌اند» (Tavernier, 1957, 122). «در عقب هر یک از این اتاق‌ها، پستو یا اتاقکی بود با دری چنان تنگ و کوتاه که فقط یک نفر می‌توانست از آن عبور کند. در این اتاقک جای دو رختخواب بود، بدون هیچ‌گونه زوائدی. این اتاق‌های کوچک، مخصوص زنان بود تا در معرض دید دیگران قرار نگیرند» (Silva Figueroa, 1931, 118). «اولویت انتخاب حجره با کسی بود که زودتر آمده باشد و احدی حق ندارد باست اجاره حجرات کاروانسراها چیزی از مسافر نمی‌گیرند و در شهرها اجاره در ریعت می‌دارند؛ اما مختصر» (ibid., 123)؛ لذا «بدون پرداختن هیچ‌گونه کرایه بهایی، می‌توان در کاروانسرا سکنی گزید و حتی اگر کسی یک سال هم در آنجا بماند، لازم نیست وجهی از این بابت بپردازد» (Della Valle, 1987/ 1991, 108). «طویل‌ها در عقب و پشت اتاق‌ها واقع هستند. گاهی طویل‌ها هم برای منزل کردن به راحتی اتاق‌ها می‌شوند. اغلب مسافرین در زمستان، بیشتر میل به اقامت در طویل‌ها می‌کنند به جهت اینکه گرم است. طویل‌ها هم مثل تالارها و حجرات همه تاق پوش هستند و از حجرات کاروانسرا یک پنجره کوچک به طرف آن ور طویل‌ها باز می‌شود که شخص می‌تواند از آنجا نگاه کند و ببیند اسبش را خوب پرستاری می‌کنند یا نه. اخیراً در پشت آخورهای طویل‌ها، سکویی بسته شده که سه چهار نفر می‌توانند قطار بخوابند و اغلب نوکرها روی آن سکوها طبخ می‌کنند» (Tavernier, 1957, 122). «علاوه بر این، در قسمت ورودی حیاط، چند اتاق دیگر بود مختص خرده فروشانی که نان یا خبز، میوه تر و خشک، تخم مرغ، پنیر، گوشت و علوفه و جو می‌فروختند» (Silva Figueroa, 1931, 118). «چون بیشتر اوقات مسافر به قدری زیاد است که داخل کاروانسرا برای بیتوته آنها کافی نیست، مسافران را در حجره‌ها یا کلبه‌هایی جای می‌دهند که در عرض دیوارها ساخته شده‌اند و می‌توانند دو سه نفر را با اسباب سفرشان منزل دهند. شتران و اسبانی را که در داخل، جا پیدا نمی‌کنند نیز در جلو همین حجره‌ها در خارج کاروانسرا جا می‌دهند. چون پیرامون بیرون کاروانسرا بسیار بزرگتر از محیط داخل است، بقدر کافی محل برای راحت زیستن و محفوظ بودن از گرما و سرما در تابستان و زمستان هست» (ibid., 277). «شب‌ها کاروانسرادار در را می‌بندد و مسئول همه چیز است. عده‌ای نگهبان هم در اطراف کاروانسرا مشغول کشیک

و پاسبانی هستند» (Tavernier, 1957, 123). «در کاروانسراها اگر چیزی از مال‌التجاره گم می‌شد، کاروانسرادار مسئول جبران آن [است]» (Gemelli Careri, 2011/ 1969, 99). کاروانسراها دو گروه هستند؛ گروهی که «دارای موقوفات است و مسافری را در آنجا مجاناً پذیرایی و مهمانی می‌کنند. و در قسم دوم جز اتاق خالی چیزی به مسافر نمی‌دهند و باید همه وسایل همراه مسافر باشد» (Tavernier, 1957, 122). سرمایه لازم برای ساخت کاروانسراها توسط سه گروه تأمین می‌شد: سلطان سازنده کاروانسراهای شاهی، سرمایه‌داران سازنده کاروانسراهای خصوصی و خیرین سازنده کاروانسراهای وقفی (Sarikhani et al., 2013, 163).

• مهمانخانه و کاروانسراهای درون‌شهری

گونه دیگر بناها که در زمرهٔ ابنیه اقامتی درون‌شهری دسته‌بندی می‌شوند، مهمانخانه‌ها هستند که نقش هتل‌های امروزی را بازی می‌کرده‌اند؛ کاروانسراهای زیبا و باشکوهی که بیشتر بزرگان از آن بهره می‌گرفتند (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰، ۱۲۸). تاورنیه مهمانخانه‌ها را اقامتگاه‌های رسمی برای بازرگانان و سفرای خارجی و یکی از جلوه‌های سیاست مهمان‌نوازی دولت صفوی می‌داند و مهمانخانه قزوین را «باشکوه»، دارای اتاق‌هایی تمیز با فرش و پرده و خدمه وصف می‌کند (Tavernier, 1957). کارری به مهمانخانه‌های در اصفهان اشاره می‌کند که «مخصوص مهمانان شاه بود» و از نظم آن شگفت‌زده شده بود (Gemelli Careri, 2011/ 1969). به جز مهمانخانه‌های شاهی، کاروانسراهای درون‌شهری هم وجود داشته که برای تجارت و اقامت، به‌طور هم‌زمان استفاده شده است. کاروانسراهای درون‌شهری اغلب دو طبقه هستند و طبقه پایین، مخصوص انبار کالاها و طبقه بالا برای منزل دادن مسافران خارجی بوده است. «در کاروانسراهای داخل شهر که دارای اتاق‌های مجهز به قفل و کلید است و بیشتر برای نگهداری مال‌التجاره استفاده می‌شد، فقط مبلغ مختصری بابت حق حفاظت، مطالبه می‌کنند» (Della Valle, 1987/ 1991, 108). «همه آنها بزرگ و دارای ساختمان نسبتاً خوب و تزئینات مناسب هستند و چنین به‌نظر می‌رسد که علاوه بر شاه، اشخاص دیگر نیز مساعی خود را در راه بهبود وضع آنها صرف می‌کنند» (ibid., 30). در بازار اصفهان کاروانسرای با «ساختمانی بسیار مجلل است با گنبدی تماماً طلاکاری شده. چندین راهرو که اتاق‌های بسیار دارد و تعداد زیادی مسافر، بخصوص بازرگانانی که دائماً به اصفهان رفت و آمد می‌کنند، می‌توانند به راحتی در آن سکونت کنند و در یک کلمه، ساختمانی واقعاً شاهانه است» (Silva Figueroa, 1931, 214). درباره بنیان این بناها هم‌شاردن می‌نویسد: «ایرانیان پس از اینکه برای سکونت خود خانه‌ای می‌ساختند، به ساختن بازارچه، گرمابه و قهوه‌خانه می‌پرداختند. پس از اتمام این‌ها به ساختن کاروانسرا آغاز می‌کردند و گاهی به جای این که آن را به اجاره دهند وقف عام می‌کردند» (Chardin, 1957/ 1643, 1402). او به فهرست کاملی از کاروانسراهای بازار اصفهان در سفرنامه خود اشاره می‌کند (ibid., 1904- 1905).

• پل و قهوه‌خانه

دو گونه پل و قهوه‌خانه نمونه‌های محقر و مخصوص طبقات پایین

بوده‌اند که مسافران خارجی جز موارد نادر اضطراری در آنها اقامت نگزیده‌اند. پل‌ها علاوه بر نقش ارتباطی برای عبور و گاه آب‌بند، در مواردی شامل مسجد، کاروانسرا، راهدارخانه، آشپزخانه و گرمابه هم می‌شدند (Pope, 1939, 237). به‌عنوان نمونه، در محدودهٔ «آچی چای» که تمام طول راه لجن‌زار و باتلاق است، پل‌ها و «جاده سنگ‌فرش طویل و عریض و مستقیمی بنا کرده‌اند که واقعاً بسیار جالب است... و یکی از این پل‌ها دارای اتاق‌های کوچکی است تا مسافران بتوانند در داخل آن استراحت کنند» (Della Valle, 1987/ 1991, 125). او همچنین به پل روی «کرخرد» اشاره می‌کند که دارای «اتاق زیبایی جدید سفید تمیزی [است] که شاه دستور داده است برای استراحت مسافران قدری بالاتر از آب در پایین پل بر روی رودخانه بسازند و اطراف آن باز است» (ibid., 232). همچنین، در تلاقی دو رودخانه شاهرود و قزل‌اوزن که سپیدرود را تشکیل می‌دهند «پل سنگی زیبا بین دو کوه بلند به سوی گیلان [وجود دارد که]... بزرگ و مستحکم است و بر نه ستون قرار دارد. زیر پل و درون اغلب ستون‌ها، اطاقک‌هایی با سقف گنبدی ساخته‌اند و یک آشپزخانه نیز در آنجا وجود دارد که می‌توان از طریق یک پلکان کوچک به پائین رفت و تا کنار آب رسید و عملاً زیر پل مزبور کاروانسرائی مناسب ساخته‌اند که مسافران می‌توانند در آنجا توقف و استراحت کنند» (Olearius, 1991, 343). از ساختمان‌های اقامتی دیگر باید به قهوه‌خانه‌ها اشاره کرد که در شهرها فراوان بوده و جهانگردان از آن به‌عنوان محیطی «بدنام» سخن رانده‌اند. قهوه‌خانه‌های اصفهان، نه تنها مکان گفت‌وگو و سرگرمی، بلکه جایی برای «اقامت موقت» نیز بوده‌اند (Chardin, 1957/ 1643). تعدادی از آنها در میدان نقش جهان قرار داشته و کمپفر به اتاق‌های طبقه بالای میدان اشاره می‌کند که مانند مسافرخانه‌های ارزان قیمت امروزی، فقرا می‌توانستند آنها را اجاره کنند. سادگی این فضا چنان است که به جای دیوار، فضای خوابگاه‌ها با «پرده»‌هایی از هم جدا می‌شوند (Kaemfer, 2022).

قهوه‌خانه‌های کنار جاده‌ها نیز از نظر کیفیت وضعیت مشابهی داشته و اغلب در کنار پل‌ها، گردنه‌ها و در مجاورت چشمه‌ها ساخته می‌شدند و مانند امروز، در آنها از مسافران با خوراکی و نوشیدنی پذیرایی می‌شده است (فرشچی و حاجی زمانی، ۱۳۹۸). جهانگردان جز موارد اندک و آن هم به‌صورت گذرا از اقامت در قهوه‌خانه‌های بین‌راهی سخن نگفته‌اند. شاید به این دلیل که «غالب مسافرخانه‌ها و قهوه‌خانه‌های دایر در طول راه، وسایل کافی در اختیار ندارند» (Chardin, 1957/ 1643, 514) و مسافران باید لوازم مورد نیاز سفر را با خود داشته باشند. شاید هم به دلیل کیفیت پایین خدمات که دون‌شان سفر را با خود داشته باشند. از اقامت در آن‌ها گراه داشته‌اند و تنها ممکن بود در مواردی خاص، اندکی در «قهوه‌خانه‌ای که باغچه و جوی آب زلالی داشت» استراحت کنند (Gemelli Careri, 2011/ 1969, 45).

• اقامتگاه‌های شاهی و دسکرها

در ایران خانه باغ‌های بسیاری توسط شاهان در حومهٔ شهرها ساخته شده که دارای نگهبان، باغبان و خدم حشم بوده و در تفریح، سفر و شکار مورد استفاده شاه و در سایر ایام پذیرایی مهمانان ویژه او بوده است (فریر، ۱۳۸۴، ۶۹). ساختار این اقامتگاه‌های شاهی به دو شکل کلی بوده است. گونه مفصل‌تر

کرده است. همه این عمارت‌های بزرگ و باشکوه خالی است و... غالباً به محل سکونت سفیران و فرستادگان خارجی اختصاص می‌یابد» (Chardin, 1957/ 1643, 600). خانه‌های مصادره‌ای بخش اعظم این اقامتگاه‌ها را تشکیل می‌داده و در اصل به بزرگانی تعلق داشته که شاه بر آنان خشم گرفته و اموالشان را مصادره کرده است. صاحب یکی از این خانه‌ها که «از بانوان خوشاوند شاه و قورچی‌باشی بود که شوهرش مورد غضب شاه واقع شده و از ایران فرار کرده بود و در نتیجه، خانه او را تقریباً مصادره کرده بودند... و به مهمانان شاه اختصاص داشت. قبل از ما امیران تاتار و نکایی که تعداد آنان به دویست نفر می‌رسید، در آنجا سکونت کرده بودند» (Della Valle, 1987/ 1991, 292).

• روستاهای اقامتی و خانه‌های شخصی

در مواردی خاص، به‌ویژه در عصر شاه عباس که سیاست کوچ اجباری به کرات تکرار می‌شد، روستاهایی از جمعیت مهاجران بر سر راه ساخته شدند تا به مسافران خدمات بدهند. تاورنیه در مسیر اصفهان به شیراز از «روستاهایی کوچک با خانه‌های گلی و باغ‌هایی انبوه» یاد می‌کند که اهالی روستا با روی باز مسافران را پذیرفته، آب و نان می‌دهند و در خانه‌های خود جایی برای خواب آنها فراهم می‌کنند (Tavernier, 1957). دلاواله این روستاها را «کاروانسراهای طبیعی» خوانده و می‌نویسد: «دهات بی‌شمار دیگری، اخیراً به دستور شاه [عباس] در اطراف جاده ساخته شده تا مسافران از جهت مسکن در رفاه باشند، او دستور داده است، محل سکونت قبلی مردم کوه‌نشین اطراف را ویران کرده و آنها را به این دهات [سرخ رباط] منتقل کنند» (Della Valle, 1987/ 1991, 133). روستاهایی هم وجود داشتند که در داخل آنها کاروانسرا یا مهمانخانه‌ای قرار داشته و مردم آن روستاها با فروش ارزاق به مسافران کسب درآمد می‌کردند (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۱)، «در نیازآباد به خانه‌های اهالی وارد شدیم، صاحب‌خانه‌ها ما را با روی خوش پذیرفتند» (Olearius, 1991, 44). به دلیل تأکید شاه بر همکاری مردم با تاجر و مهمانان خارجی، این خدمات باید مجانی ارائه می‌شد؛ اما در عمل مهمان باید هدیه‌ای در خور خدمات صاحب‌خانه تقدیم می‌داشته است. «شب به دهکده کوچکی رسیدیم که اخیراً بنا شده و «میانکاله» نام داشت. از این دهکده‌ها بر سر راه فراوان است، به نحوی که مسافران، هر ساعتی بخواهند می‌توانند در یکی از آنها استراحت کنند. توقف در خانه‌های خصوصی مردم انجام می‌گیرد که صاحبان آنها نه پولی طلب می‌کنند و نه اگر کرایه‌ای از این بابت داده شد، تن به قبول آن می‌دهند و باید در مقابل به آنان هدیه یا انعامی داد که در این صورت می‌پذیرند» (Della Valle, 1987/ 1991, 135). برخی از مردم علاوه بر در اختیار قراردادن تمام یا بخشی از خانه خود به مسافران، از آنان با خوراکی و گاه موسیقی و نمایش پذیرایی می‌کردند. در خانه‌ای در مازندران «تا نیمه شب، ساز و آواز و رقص و نمایش‌های جالبی... خواب از سر من ربود و واقعا می‌توانم بگویم تا به حال رقص به این خوبی و دلپذیری ندیده بودم» (ibid., 24).

• اماکن مذهبی

اقامت و حتی ورود غیرمسلمان به ائینه مذهبی، اغلب با مقاومت مردم روبه‌رو می‌شده؛ اما برای مسافران مسلمان، منعی وجود نداشته است. پوپ می‌گوید:

شامل یک یا دو صحن مرکزی، گاهی همراه با استخری در وسط و تالارهایی در دو طرف صحن، ایوانی در وسط نمای تالارها و فضاها و غرفه‌هایی کوچک‌تر با کارکردهای دیگر در دو ضلع دیگر اطراف صحن است (Kleiss, 1995, 85). «من تا به حال، هر کجا خانه‌های شاه را دیده‌ام، همه با هم یکسان بوده‌اند؛ بدین معنی که تمامشان دارای اتاق‌های کم‌وسعت و متعددی هستند که درب‌های بسیار کوچکی، آنها را به یکدیگر مرتبط می‌کند. دیوارها همه‌جا تذهیب شده و مزین به قاب‌هایی است که رنگ‌های زیبا و ظریفی در آن وجود دارد. در باغ، درخت‌های میوه فراوان وجود دارد و... خیابان سنگ‌فرش مستقیمی که از عمارت تا آخر دیوار باغ، ادامه دارد و دو طرف آن را درختان سرو فرا گرفته‌اند. در وسط خیابان، نه‌ری جاری است که به حوض‌های متعدد می‌ریزد... در این حوض‌ها فواره‌هایی تعبیه کرده‌اند، که آب از آنها جهش می‌کند» (Della Valle, 1987/ 1991, 109). گونه مختصر که ساختمان درون باغ به‌صورت کوشک است و پیرنیا آن را دسکره می‌خواند (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰)، شامل عمارت مرکزی، استخر و باغ‌های هندسی است که گاه به‌عنوان شکارگاه سلطنتی عمل می‌کردند (Gemelli Careri, 2011/ 1969). در راه اصفهان به قزوین در «تاجرآباد»، باغ شاه قرار داشت که «در آن ساختمانی بود که اگر چه کوچک، ولی چنان دل‌انگیز که تا آن زمان نظیرش را ندیده بودیم. مساحت زیربنای این ساختمان بیش از بیست و پنج پای مربع نبود که شامل دیوارهای کلفت و محکم آجری می‌شد. بهترین اتاق خانه، تالاری بود با ده پا طول و هشت پا عرض که دیوارهایش را از کف تا ارتفاع ده پای با نقش‌های طلائی تزئین کرده بودند و دوردور آنها گچ‌بری‌هایی دیده می‌شد... که تصاویری از زن‌ها و جشن‌ها و تنگ‌های شراب و مناظر رقص‌های محلی را مجسم می‌کرد... بقیه دیوارهای تالار و حتی تاق آن با تذهیب‌های زیبا و نقش‌های لاچوردین زینت شده بود. رنگ طلائی کامل عیار این نقش‌ها چنان جلای داشت که چشم را خیره می‌کرد. در اطراف تالار، چهار راهرو بود و همان تعداد اتاق کوچک که همگان به شیوه خود تالار نقاشی و تذهیب شده بودند... باغی بسیار بزرگ داشت با انواع درختان میوه و تعداد زیادی چنار که محیط مشجر، خرم و مطبوعی را به وجود آورده بودند. همچنین در این سو و آن سوی باغ، چشمه‌ها و استخرهای کوچکی بود که در آنها آب‌تنی می‌کردند» (Silva Figueroa, 1931, 235). به دلیل آنکه این اقامتگاه‌ها اغلب آخرین ایستگاه قبل از ورود به شهر بودند، مهمانان شاه برای رفع خستگی، تعویض لباس و آمادگی برای شرفیابی به درگاه شاه یا حاکم شهر، تا زمان صدور این‌دخول به شهر در آن اقامت می‌کردند. مشهورترین اقامتگاه‌های شاهی در جاده اصفهان-بهبشهر و برای سفرهای شاه عباس و سلاطین پس از او در فواصلی منظم بنا شدند (اسکندریک، ۱۳۷۷). «شاه بین اصفهان و دریای خزر هر ۱۲ مایل^{۱۱} خانه‌هایی برای استراحت دارد» که استودارت همه آنها را فهرست کرده است (Herbert & Stodart, 2022, 62).

در داخل شهرهای بزرگ و به‌ویژه پایتخت، مهمانان بلندپایه، در خانه‌های متعلق به شاه اسکان داده می‌شدند که وضعیت متفاوتی داشتند. «شاهنشاه در نقاط مختلف شهر اصفهان سیصد خانه دارد. بعضی به ارث به وی رسیده، برخی را خریده و بعضی را هم مصادره

چنان غول‌آسا و ستر است که کثیری از مردم و اسبها و شتران می‌توانند بدون آنکه گروهی از دیگر گروه در زحمت باشد، در سایه آن بیاسایند. در اطراف تنه آن که بیش از هفت تراز^{۲۲} کلفتی آنست، فضایی دیوار کشیده هست که سطح آن به خوبی آجر فرش شده است. فاصله درخت تا دیوار که به شکل نیم‌دایره ساخته شده است، دوازده پا است، به‌طوری‌که گروهی بار و بنه خود را در آن نهاده و رختخواب‌ها را گسترده بودند. چون مساحت این دایره آجر فرش زیاد است، مسافران می‌توانند در آن بیاسایند و از خنکای بادی که در سراسر تابستان در آن می‌وزد لذت ببرند. شاخه‌های بزرگ و کلفت چنار فضائی بزرگ را می‌پوشاند؛ چنانکه هنگام ظهر، اطراف چهاردیواری به‌قدر سی پا سایه است و همه قاطرچی‌ها و اسبها و شتران یک کاروان می‌توانند مصون از نور آفتاب در سایه درخت بخورند و بخوابند. در دیوار آخورهایی ساخته‌اند که حیوانات بسیاری از آن استفاده می‌کنند چنانکه هنگامی که سفیر بعد کاروان بدینجا رسید، همه چارپایان اعم از شتر و اسب و دیگر حیوانات بارکش که تعداد آنها از دویست متجاوز بود در اطراف دیوار جای گرفته بودند» (Silva Figueroa, 1931, 284). نمونه دیگر این ایستگاه‌های موقت، در نقطه‌ای صعب‌العبور بود که شاه عباس در مسیر اصفهان به مشهد که از بیابان‌های سخت می‌گذشت و ساخت کاروانسرا را غیرممکن می‌کرد، ساخته بود. «در وسط این دشت بی‌کران نمک یک قطع زمین با خاک خوب و خشک پیدا کردیم، زیرا در سفری که شاه با پای پیاده به قصد زیارت یکی از مقابر مقدس واقع در خراسان به آن ایالت می‌رفته است، چون نمی‌توانسته تمام پنج فرسنگ کویر را در این قسمت در یک روز بپیماید، دستور داده است از جای دیگر خاک بیاورند و در آنجا قرار دهند، تا او بتواند شب را در روی آن استراحت کند و از آن به بعد، این قطعه زمین در زمستان مورد استفاده کاروان‌ها قرار می‌گیرد» (Della Valle, 1987/1991, 125).

جمع‌بندی

موفله‌های گونه‌شناسی ابنیه بین‌راهی بسیاریند که برخی از نمونه‌های اصلی آن در تصویر ۲ آمده است. از میان این معیارها، کارکرد اصلی، مکان قرارگیری، سازمان فضائی، نظام مالکیت و مدیریت، درجه رسمی بودن و سطح خدمات و ابعاد و مقیاس، شاخصه‌های برگزیده برای گونه‌شناسی این پژوهش هستند که برای دسته‌بندی گونه‌های ده‌گانه بخش یافته‌ها به کار گرفته شده و در جدول ۲ گرد آورده آمده‌اند.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، برپایه اطلاعات برآمده از گزارش‌های جهانگردان غیرایرانی نه‌گونه اصلی و یک‌گونه فرعی از ابنیه اقامتی شناسایی شده که هر کدام شامل انواع و زیرگونه‌هایی است که برپایه معیارهایی مانند کارکرد اصلی بنا، مکان قرارگیری، سازمان فضائی، نظام مالکیت و مدیریت، درجه رسمی بودن و سطح خدمات و ابعاد و مقیاس آن انتخاب شده‌اند که در میان آنها سازمان فضایی بیشترین میزان مرزبندی‌های ضروری برای

«در مسجد همیشه به روی همگان باز است و... کاروان‌ها فوراً روانه مسجد می‌شوند، بی‌آنکه کسی بازخواستی کند و هر آواره‌ای در آنجا می‌خوابد» (Pope, 1939, 77). در دوران صفویان به‌ویژه شاه عباس، به‌دلیل فشار حکومتی، غیرمسلمانان هم می‌توانستند در ابنیه مذهبی مانند مساجد و امامزاده‌ها مستقر شوند و کسی جرأت متعرض شدن به آنها را نداشته است. فیگروا در چندجای سفرنامه‌اش به اقامت در ابنیه مذهبی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در مدخل شهر [نطنز] مسجدی بزرگ هست که زائران و مسافران... می‌توانند در آن اقامت کنند» (Silva Figueroa, 1931, 283). در نزدیکی شیراز «سفیر و اطرافیان به راحتی در مسجدی منزل کردند» (ibid., 166). در مسیر دهکده اوجان فارس «سفیر در اتاقی که نزدیک امامزاده‌ای بنا شده بود مسکن گرفت... به‌محض رسیدن سفیر، زاهد یا درویشی که متولی مقبره بود به دیدار وی آمد» (ibid., 196).

• خیمه‌ها و سازه‌های سیار

خیمه و چادر یکی از ملزومات سفر بوده که مسافران در شرایطی که دسترسی یا امکان استقرار در ساختمان‌های بین‌راهی را نداشتند، از آن بهره می‌گرفتند. یکی از این شرایط تکمیل ظرفیت ساختمان‌های اقامتی در ایام پرتردد بوده است. «از آنجا که تعداد مازاد بود و می‌بایستی چند هفته‌ای آنجا اقامت کنیم و دهکده نیز از بسیاری جهات پاسخ‌گوی نیازهای ما نبود و دستوری هم برای پذیرائی از ما نداشتند، از این جهت با هزینه شخصی نزدیک اقامتگاه سفرا خیمه زدیم» (Olearius, 1991, 45). این خیمه‌ها ممکن بود به اندازه یک عمارت شاهی تنوع و تعدد فضایی داشته باشند. «برای آنکه دیگر همراهان نیز در همین مکان مستقر شوند... نه یا ده چادر در باغ [شاه] افراشتند. از این چادرها یکی که بزرگ‌تر و مفروش بود، به‌عنوان سالن به کار می‌رفت و نمازخانه‌ای در مجاورت داشت که در آن نماز می‌گزاردند و دیگر چادرها برای استراحت نوکرها بود» (Silva Figueroa, 1931, 204). گونه دیگر ابنیه اقامتی موقت، کلبه‌های سیار هستند که اولتاریوس نحوه ساخت و حمل آنها را چنین شرح می‌دهد: «هنگام شب، کلبه‌های گردی که مهماندار، آنها را بر پشت گاوهای نر حمل می‌کرد، رسید و در آنها اقامت کردیم. این کلبه‌ها با چند چوب دراز و پیچ و خم‌دار که در رأس، توسط صفحه‌ای به یکدیگر متصل می‌شدند، ساخته شده بود و در موقع لزوم از یکدیگر جدا و مجدداً به هم وصل می‌شدند و مورد استفاده قرار می‌گرفتند». در حین حرکت از شماخی به سمت اردبیل هم «شب را در همان کلبه‌ها که مهماندار آنها را از جای خود کنده و جلوتر فرستاده بود، به سر بردیم» (Olearius, 1991, 97-99).

• ایستگاه‌های موقت

در شرایط اضطراری و در نقاطی که امکان ساخت بنا وجود ندارد، هر سایه‌بان و جان‌پناهی با ارزش است. گاه مردم یا خیرین تمهیدات ساده‌ای برای استفاده از سایه درختان، خنکای رودخانه‌ها و مانند آن به کار برده و آنها را به ایستگاه‌های اقامتی ساده‌ای تبدیل کرده‌اند که برخی هم به مرور زمان مشهور شده‌اند. از آن جمله چنار ۹۰۰ ساله نطنز است که «هیچ داستانی از سرگذشت آن کهنسال تر نیست... چناری بسیار بزرگ و جالب که پناهگاه همه کاروان‌هاست. این چنار

به روی مسافران غیر ایرانی باز بوده و گزارش‌هایی از اقامت خارجی‌ان در صحن و حجره‌های مساجد و بقاء در دست است. سازه‌های موقتی از نمونه‌های مشهور دیگر اقامتگاه‌های بین‌راهی محسوب می‌شدند که بر دو گونه خانه‌های چوبی و خیمه‌ها مشتمل بودند و علاوه بر امکان برافراشته و جمع شدن فوری، با داشتن فضایی یکپارچه و انعطاف‌پذیر، قادر به ارائه خدمات لازم برای اقامت‌های موقت بوده‌اند. واحه‌ها، درختان و چشمه‌ها نیز بدون دارا بودن هیچ فضای معماری، تنها با اضافه کردن اندک اجزایی مانند آخور و سنگفرش کردن زمین، از انواع دیگر اقامتگاه‌های اضطراری محسوب می‌شدند.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای آن‌ها وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Open Coding

۲. Axial Coding

۳. برای این که شماره‌های درست، مانند ده و صد هزار، آسان بر زبان می‌آید، وزیر شاه عباس دستور می‌دهد یکی کمتر از هزار، یعنی نهصد و نود و نه کاروانسرا ساخته شود تا در به زبان آوردن آن درنگ شود و آیندگان ارج این کار بزرگ را بدانند (پیرنیا، ۱۳۸۹)

۴. هر فرسنگ حدود شش کیلومتر است.

۵. Typology

۶. Type

۷. Topos

۸. Typos

۹. Model

۱۰. Exemplar

گونه‌شناسی را فراهم می‌کند. در میان این ده گونه ابنیه اقامتی، سابات و لنگر اقامتگاه‌های نیمه موقتی هستند که برای استراحت‌های کوتاه مدت در بین راه ساخته می‌شوند و فاقد معماری پیچیده و امکان پذیرش جمعیت بالا با فرمی بازار مانند و اندام‌هایی حجره مانند و آب‌انبار هستند. رباط، خان و خانقاه که از تکامل و دگرپسی ابنیه نظامی و تبدیل آنها به جمع‌خانه صوفیان و سپس اقامتی به وجود آمده‌اند، گونه بعدی هستند که شامل یک تالار اصلی و چند اتاق و فضاهای خدماتی بوده و در دوران بعد به صورت کاربات و کاروانسرا به نهایت تکامل خود می‌رسند. کاروانسرا گونه‌ای است که از همه شناخته شده‌تر بوده و اغلب حول یک حیاط سرپوشیده یا بسته و با اتاق و اصطبل در لایه‌های بعدی و شاه‌نشین در طبقه بالا شکل می‌گیرد. درون شهرها مهمان‌خانه‌هایی مانند هتل‌های امروزی وجود داشته و شاه هم خانه‌های مصادره‌ای یا شخصی خود را در اختیار گروه‌های سیاسی و تجاری سرشناس قرار می‌داده است که سازمان فضایی آنها شامل انواع اتاق، ایوان، تالار و فضاهای خدماتی مانند هتل‌های امروزی بوده است. در میان ابنیه شناخته شده، پل‌های اقامتی گونه‌ای هستند که در هیچ یک از منابع مرجع به آن اشاره‌ای نشده و از ترکیب اتاقک‌هایی در بالا یا پایین با سازه پل به وجود می‌آیند. اقامتگاه‌های شاهی یا دسکرها به صورت کاخ‌هایی کوچک یا کوشک‌هایی در ترکیب با باغ و اکثر آن در نزدیکی شهرهای مهم و یا شکارگاه‌ها بنا می‌شدند و مهمانان شاه برای دریافت اذن دخول به شهر، در آنها اقامت می‌گزیدند. روستاهای اقامتی از دیگر ابداعات صفویان بوده که شامل دو گونه روستاهای موجود در کنار جاده‌ها و روستاهای به وجود آمده از کوچ اجباری مردم برای خدمات‌دهی به مسافران بوده است. مردم این روستاها خانه‌های شخصی خود را در اختیار مسافران قرار داده و از آنها با خوراک و ساز و آواز پذیرایی می‌کردند. اماکن مذهبی نیز علی‌رغم میل باطنی مردم و دستورات شرعی مبنی بر عدم التقاط با پیروان سایر ادیان، به دستور شاه

جدول ۲. شاخصه‌های اصلی تعیین‌کننده گونه‌شناسی ابنیه اقامتی راهی دوران صفوی. مأخذ: نگارندگان.

نوع بنا	مقیاس	نوع خدمات	مالکیت/مدیریت	سازمان فضایی	مکان	کارکرد اصلی
سابات/لنگر	خرد	عمومی	مردمی/دولتی	طاق و سایه‌بان، دکان یا نیمکت	خارج شهر	استراحتگاه
رباط/خان/خانقاه	کوچک	نیمه رسمی	مردمی/وقف	چند اتاق، فضای حیوانات، حیاط کوچک	خارج/نزدیک شهر	اقامت/مذهبی
کاربات/کاروانسرا	بزرگ	عمومی	مردمی/وقف/دولتی	حیاط مرکزی، حجره پیرامونی، اصطبل	خارج شهر	اقامت
مهمانخانه/کاروانسرای درون شهری	بزرگ	رسمی	مردمی/دولتی	حیاط مرکزی، حجره پیرامونی، اصطبل	ورودی یا درون شهر	اقامت/تجاری
پل/قهوه‌خانه	خرد	عمومی	مردمی/وقفی	گرفه‌های خصوصی و تالار عمومی	بیرون شهر	خدماتی
اقامتگاه‌های شاهی/دسکره	بزرگ	رسمی سطح بالا	دولتی	کوشک، کاخ، باغ	بیرون شهر	اقامت/تفریحی
روستاهای اقامتی/خانه‌های شخصی	کلان/خرد	عمومی	دولتی/مردمی	اتاق/حیاط/اصطبل	بیرون شهر	اقامت
اماکن مذهبی	خرد/متوسط	عمومی	وقف/مردمی	صحن، حجره، شبستان	بیرون شهر	مذهبی
خیمه‌ها و سازه‌های سیار	خرد	خصوصی	شخصی	فضای انعطاف‌پذیر	بیرون شهر	تفریحی/نظامی

Form .۱۱

Class .۱۲

Symbol .۱۳

Character .۱۴

Genotype .۱۵

Phenotype .۱۶

۱۷. حدود چهار فرسخ

۱۸. حدود شش فرسخ

۱۹. این کلمه در اصل پارسی است و بهتر است به صورت سابات نوشته شود.

۲۰. هر پا معادل ۳۰/۴۸ سانتی متر است.

۲۱. هر مایل ۱۶۰۹ متر است.

۲۲. حدود ۸۲/۵ سانتی متر

ایمان

• معماریان، غلامحسین، و طبرسا، محمدعلی. (۱۳۹۲). گونه و گونه‌شناسی معماری. معماری و شهرسازی ایران، (۶)، ۱۰۳-۱۱۴. <https://doi.org/10.30475/isau.2014.61978>

• هادی‌زاده کاخکی، سعید. (۱۳۸۹). کاروانسرا در ایران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

• Addy, S.O. (1933). *The Evolution of the English House*. George Allen & Unwin.

• Argan, G. C. (1963). On the Typology of Architecture. *Architectural Design*, 33(12), 564-565.

• Blair, Sh., & Jonathan, B. (2006). *The Art and Architecture of Islam* (Y. Ajand, Trans.). Yale University Press. (Original Work Published 1994)

• Broadbent, G. (1973). *Design in Architecture: Architecture and the Human Sciences*. John Wiley & Sons

• Chardin, J. (1957). *Voyages Du Chevalier Chardin En Perse, Et Autres Lieux De L'orient: Suite Du Premier Voyage De L'auteur, D'ispahan À Bander-Abassi, Et Son Retour À ... S'est Passé De Plus Mémo* (A. Turab, Trans.). senaei ve taid. (Original Work Published 1643)

• Daneshpazhooh, M. (2006). [Investigating Safavid travelogues]. Farhangestan-e-Honar. [In Persian]

• de Bruyn, C. (1704). *The travels of Cornelius de Bruyn: Travels into Muscovy, Persia and part of the East-Indies*. Printed In London

• Della Valle, P. (1991). *Cose e parole nei viaggi di pitro della valle* (Sh. Shua eddin, Trans.). Scientific and Cultural Publishing Company. (Original Work Published 1987)

• Floor, W. (2000). *The economy of Safavid Persia*. Reichert Verlag.

• Frampton, K. (1995). *Studies in Tectonic Culture*. MIT Press.

• Gemelli Careri, G. F. (1969). *Voyage du tour du monde* (A. Nakhjavani & A. A. Karang, Trans.). Franklin Publishing. (Original work published 2011)

• Ghirshman, R. (1990). *L'Iran, des origines a l'Islam* (M. Moein, Trans.). Scientific and Cultural Publications. (Original Work Published 1976)

• Gombrich, E. H. (1950). *The Story of Art*. Phaidon Press.

• Grabar, O. (1980). *The Formation of Islamic Art*. Yale University Press.

• Habraken, N. J. (1998). *The Structure of the Ordinary: Form and Control in the Built Environment*. MIT Press.

• Herbert, T., & Stodart, R. (2022). *A description of the Persian monarchy now being: the orientall* (H. Javadi, Trans.). Abadbom Publication. (Original Work Published 1682)

• Herzig, E. (1991). *The Armenian merchants of New Julfa, Isfahan: A study in pre-modern Asian trade*. Durham University

فهرست منابع

• اسکندربیک منشی. (۱۳۷۷). *تاریخ عالم آرای عباسی* (تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی). دنیای کتاب.

• امیرحاجلو، سعید؛ نیستانی، جواد؛ موسوی، سیدمهدی و خطیب شهیدی، حمید. (۱۳۹۱). تاملی در علل توسعه و تخریب اقامتگاه‌های شاهی میان‌راهی دوران صفوی با نگاهی بر دولت‌آباد، علی‌آباد ریگ و دمبی در شمال اصفهان. مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)، ۲(۳)، ۱-۱۳. <http://mmi.aui.ac.ir/article-۱-۸۷۳-fa.html>

• یازوکی طرودی، ناصر. (۱۳۷۶). *استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی*. سازمان میراث فرهنگی کشور

• پیرنیا، محمدکریم و افسر، کرامت‌الله. (۱۳۵۰). *راه و رباط*. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

• پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۹). *آشنایی با معماری معماری اسلامی ایران* (تألیف و تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش).

• پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۲). *معماری ایرانی* (تألیف و تدوین غلامحسین معماریان، سروش دانش).

• دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵). *بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی*. انتشارات فرهنگستان هنر.

• دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۹). *لغتنامه دهخدا*. دانشگاه تهران.

• رفعتی، همایون. (۱۳۶۸). *فهرست موضوعی سفرنامه‌های مربوط به ایران*. دانشگاه بوعلی سینا.

• شانواز، بلال و خاقانی، راضیه. (۱۳۹۴). *کاروانسراهای ایران زمین*. انتشارات پازینه

• فرشچی، حمیدرضا حاجی‌زمانی، مهدی. (۱۳۹۸). *بررسی کاروانسراهای ایران و بناهای وابسته به آن*. معماری شناسی، ۲(۷)، ۱۳-۱. <https://www.ensani.ir/file/download/article/1560944003-10149-7-2.pdf>

• فریر، رانلد دبلیو. (۱۳۸۴). *برگزیده و شرح سفرنامه شاردن* (ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی). فرزبان روز.

• لباف خانیکی، رجبعلی. (۱۳۷۹). *دگر دیسی در مفهوم و کاربری رباط*. تحقیقات جغرافیایی، ۱۵(۲-۱)، ۵۷-۵۶. (پیاپی ۸۹-۱۰۱)

• مشبکی اصفهانی، علیرضا. (۱۳۹۷). *مقایسه تطبیقی فضای معماری کاروانسراهای عصر صفوی با رویکرد کالبدی*. هنر و معماری (معماری سبز)، ۱۴(۱۲)، ۱۱-۲۴. <https://www.ensani.ir/file/download/article/1546235993-10121-12-2.pdf>

• معطوفی، اسدالله. (۱۳۸۲). *تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران*. انتشارات

Press.

- Hillenbrand, R. (1998). *Islamic architecture: form, function, and meaning* (I. Etesam, Trans.). Urban Planning and Processing Company. (Original Work Published 1994)
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The Social Logic of Space*. Cambridge University Press.
- Horden, P., & Purcell, N. (2000). *The Corrupting Sea: A Study of Mediterranean History*. Blackwell Publishing.
- Kaemfer, E. (2022). *Am Hofe des persischen Grosskonigs* (K. Jahandari, Trans.). Kharazmi Publication. (Original Work Published 1684)
- Kleiss, W. (1995). کاروانسراهای ایران [Caravanserais of Iran]. Iranian Cultural Heritage Organization. [In Persian]
- Kostof, S. (1992). *The City Assembled: The Elements of Urban Form Through History*. Thames & Hudson.
- Kotov, F. A. (1996). Journey to Persia (1623–1624) (W. E. Butler, Trans.). In M. Bazin & B. Hourcade (Eds.), *Russian travelers to Iran: Anthology of seventeenth-century accounts* (pp. 145–178). I. B. Tauris.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Blackwell.
- Mashhadi, A., & Aminpour, A. (2017). Formulation of process and indicators affecting the architectural typology with the composition properties standard. *Urban and Rural Management*, 16(48), 173-186. <http://ijurm.imo.org.ir/article-۱-۱۹۵۰-fa.html>
- Matthee, R. (1999). *The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk for Silver, 1600–1730*. Cambridge University Press.
- Matthee, R. (2012). *Persia in Crisis: Safavid Decline and the Fall of Isfahan*. I.B. Tauris.
- Memarian G., & Dehghani Tafti, M. (2018). Seeking to Find a Novel Concept to Type and Typology in Architecture (Case study: Vernacular Houses in Taft, Type of Tallardar). *JHRE*. 37(162), 21-38. <https://doi.org/10.22034/37.162.21>
- Necipoğlu, G. (1995). *The Topkapi Scroll: Geometry and Ornament in Islamic Architecture*. Getty Publications.
- Olearius, A. (1991). *Vermehrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse* (A. Behpour, Trans.). Aebtekar No. (Original work published 1603)
- Olgyay, V. (1963). *Design with Climate: Bioclimatic Approach to Architectural Regionalism*. Princeton University Press.
- Pope, A. U. (1939). *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*. Oxford University Press.
- Pope, A. U. (1987). *Persian architecture* (G. Sadri Afshari, Trans.). Anzali Publications. (Original Work Published 1976)
- Rizvi, K. (2011). *The Safavid Dynastic Shrine: Architecture, Religion and Power in Early Modern Iran*. I.B. Tauris.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*. MIT Press.
- Sanson, N. (1967). *Voyage, ou Relation de l'Etat Present du Royaume de Perse: Avec une Dissertation Curieuse sur les Moeurs, Religion Et Gouvernement de Cet Etat* (Classic Reprint) (T. Tafazzoli, Trans.). Ibn sina. (Original work published 17th)
- Sarikhani, M., Sharifinia, A., & Ghanbari, N. (2013). A New Look to the Mir GholamHashemi Castle, the Components of the Building (Castle or Caravansary). *Archaeological Research of Iran*, 2(2), 161-172. mHashemi Castle, the Components of the Building (Castle or Caravansary). https://nbsh.basu.ac.ir/article_434.html?lang=en
- Sherley, T. (1951). *The relation of Sir Anthony Sherley's travels into Persia*. London: John Windet for John Busbie [Early English Books Online facsimile]. (Original work published 1601)
- Silva Figueroa, G. de. (1931). *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzáles de Clavijo to the Court of Timour at Samarcand, A.D. 1403–6; and the Travels of the Ambassadors to Persia* (E. Denison Ross, Trans.). Routledge.
- Siroux, M. (1949). *Caravanserais d'Iran et petites constructions routieres* (I. Behnam, Trans.). sazmaneh mleech hefeezateh asar beastaneh iraneh.
- Siroux, M. (1978). *Anciennes Voies et monuments routiers de la region d'Isfahan* (M. Mashayekhi, Trans.). Sazman Moli Hafazat Asar Bastani Iran. (Original work published 1971)
- Tavernier, J.-B. (1957). *The six voyages of John Baptista Tavernier, Baron of Aubonne ... through Turkey, into Persia, and the East-Indies* (J. Phillips, Trans.). printer/publisher in London.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 دیماری، نیما؛ ملکی، آیدا؛ آخوندی، فرهاد و نژاد ابراهیمی، احد. (۱۴۰۵). گونه‌شناسی ابنیه اقامتی راهی عصر صفوی بر پایه گزارش‌های جهانگردان غیرایرانی. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۴ (۵۱)، ۶۴-۷۵.

DOI: [10.22034/jaco.2025.543727.1493](https://doi.org/10.22034/jaco.2025.543727.1493)

URL: https://www.jaco-sj.com/article_236860.html

